

نقد مصاحبه اعلیحضرت در واشنگتن

استودیو ۲۴ نیوز

استراتژی

(قسمت سوم)

امیر فیض- حقوقدان

قسمت سوم این نقد، مربوط به استراتژی مورد نظر اعلیحضرت برای عبور از **فرقه تبهکار جمهوری اسلامی** است که آنرا در مصاحبه مزبور چنین بیان فرموده اند.

اعمال تحریم های هوشمندانه که رژیم را بیش از پیش فلج کند تا مجبور به عقب نشینی شود و نهایتاً فروپریزد. همه اینها همراه با یک انفجار درونی و یک دوران انتقالی که امید وارم به نتیجه دمکراتیک بیانجامد. مولفه این تغییر (استراتژی) همکاری ضمنی نیروهای نظامی و شبه نظامی در این سناریوی تغییر است.

ارکان استراتژی اعلیحضرت

آنچه در زیر ملاحظه میفرمائید استخراج شده از مصاحبه مورد نقد، بعلاوه اظهارات اعلیحضرت در کنگره آمریکا است که دومی بموازات فعالیت جنبش سبز ارائه شده است که اعلیحضرت از آنها بعنوان بهترین راه کاربری مقابله با جمهوری اسلامی به مقامات آمریکائی و اروپائی (بنابراظهار خودشان) پیشنهاد فرموده اند.

این نکته قابل توجه است که در سال ۸۸ یعنی تولد جنبش سبز اعلیحضرت متفکر و خواهان تعامل با جمهوری اسلامی بوده اند نه عبور از آن **فرقه تبهکار**، بنابراین بخشی از ارکان و همچنین ضامن و پشتوانه های ارکان مورد نظر اعلیحضرت مربوط به دوران تعامل است و اگر دوران تعامل با جمهوری اسلامی با دوران عبور از جمهوری اسلامی در یکجا بنام ارکان استراتژی اعلیحضرت مطرح شده از این جهت است که تقارن مشهودی بین ارکان دو دوره وجود داشته است.

۱- اعمال تحریم های **هوشمندانه و هدفمند** *

۲- همکاری ضمنی **نیروهای نظامی و شبه نظامی**

۳- حمایت ضمنی جامعه بین المللی

۴- حمایت آشکار آمریکا از جنبش سبز

۵- تلاش برای ارتباطات در داخل و خارج ایران

۶- دریافت کمک از اعراب و اسرائیل و آمریکا برای نجات ایران با حفظ استقلال و حقوق ملی

ضمائم ویشوانه

پشتوانه هائی که اعلیحضرت برای بهترین راه کار مقابله با جمهوری اسلامی اندیشیده اند و به اعتبار همان پشتوانه ها ارکان بالا را مطرح میفرمایند اینهاست"

- ۱- امروز مردم ایران که تحت فشار شدید هستند خواستار نوعی دخالت از سوی جامعه بین المللی برای حمایت از خویش هستند
- ۲- تنها نمیتوان روی نافرمانی صلح آمیز حساب کرد - اقدامات دیپلماتیک بدون فشارهای مناسب بی اثر است/
- ۳- قبول رهبری نیروهائی که خواهان عبور از این نظام (فرقه تبهکار) هستند

سابقه

با مراجعه به اسناد و سوابق مبارزه با این حقیقت روبرو خواهیم بود که همانطور که یک کارشناس آمریکائی گفته بود <ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی نمیدانند که چه میخواهند و چگونه میخواهند>.

اعلیحضرت در طول سالهای مبارزه به دفعات مکرر استراتژی مورد نظرشان را برای نجات کشور بیان فرموده اند و چون استراتژی مورد نظرشان بر اصول و نصوص مستقر نبوده، با جریانات روز و یا شنیده ها به فراموشی رفته است؛ از استراتژی ۷۲ ساعته برای براندازی جمهوری اسلامی (در کشور فرانسه) تا استراتژی فرصت کافی به فرقه تبهکار جمهوری اسلامی برای ترک کشور و تامین امنیت آنها گرفته تا استراتژی کنونی که این آخری هم خود با تغییراتی روبرو شده است که در متن قابل ملاحظه است.

سنگ بزرگ علامت نزدن است

استراتژی، نحوه و طریقه رسیدن به هدف است، امری است که همواره باید مخفی باشد و دشمن بر آن اشراف پیدا نکند و وقتی با ب و تاب تمام وریزه کاری های آن اعلام شد تظاهر به عملی است که قصد اجرا در آن نیست. از این فکاهی تر نیست که انسان هدفش که نابودی دشمن است معلوم باشد و بعد راه رسیدن آنرا هم دقیقاً اعلام کند؛ البته گاهی هم ممکن است اعلام استراتژی برای اغفال کردن دشمن باشد.

که آن برنامه ها در تخصص استراتژیستهاست، ولی آنچه که در بیان استراتژی مورد نظر اعلیحضرت از نظر حقوقی و مبارزه سیاسی نقد پذیرا است ممکن است اینها باشد.

(۱) تحریمها

****** واژه های **هوشمند و هدفمند** گرفته شده از یک مصاحبه ویک سخنرانی اعلیحضرت در کنگره آمریکا است. و هردوی آنها واژه های خیالی و بی محتواست خاصه واژه هوشمند. هر عملی و تصمیمی هدفمند است؛ تحریم خرج دارد برای هوس و بازی و سرگرمی که نیست یک نمونه از تحریم بی هدف نمیتوان یافت.

نصب این واژه ها برای تحریم همانند آن است که به حیوان آب میدهند و بعد سرش را میبرند و اسمش را هم میگذارند ذبح شرعی و اگر غیر این باشد میشود ذبح حرام.

تحریم ویا بمباران هوشمند و هدفمند که مبتکرین فضاحت علی میرفطروس است نه میعارشناسانی دارد و نه در حقوق سیاسی جایگاه شناخته شده ای یک بهانه سازی برای کتمان نیت های ناپاک است.

درخواست تحریم از بیگانه

مسئله مهم و قابل اعتراض کیفیت تحریم ها نیست بلکه درخواست آن از بیگانه است آنهم با این مهم که آگاهی که بیگانه برای اقدامات غیرقانونی خودش در تلاش کسب موافقت شخصیت های کشورهاست و اگر نه بهیچ ترتیبی آمریکا خودش را مقید به کسب نظر ایرانیان خاصه اعلیحضرت نمیداند.

این سوال و پاسخ آن تائید مطلب است. آیا اگر اعلیحضرت از آمریکا بخواهد که فلان تحریم هارا از ایران بردارد ویا سبک کند آیا آمریکا قبول خواهد کرد؟ البته که خیر؛ پس چرا اساسا اعلیحضرت باید وارد مقوله تحریم بشوند که برداشت عمومی مردم ایران این باشد که تحریم های قبل از برجام بنا بر تقاضای ایرانیان مقیم خارج (اظهارات باراک اوباما) و تحریم های بعد از برجام بنا بر تقاضای رضا پهلوی بوده است.

موقعیت درخواست تحریم

اگر اعلیحضرت در موقعیت یک شهروند ایرانی مقیم خارج چنین دعوتی از آمریکا برای تحمیل تحریم های هوشمند و هدفمند میفرمایند عملشان ایجاد استعداد سیاسی و نظامی علیه ایران و مذموم و جرم است و کلا از حد افراد کشوری خارج است و از آنجا که اعلیحضرت خودشان را در مقام قانونی شاه میدانند و شاه در فرهنگ و سنت و قانون ایران مظهر ملیت و نمادهویت ملی است **این دعوت به حساب ملت ایران**

محسوب میشود و لذا هیچگونه مسئولیتی برای آمریکا در ایجاد تحریم ها علیه ایران بوجود نخواهد

آمد زیرا مظهر ملت و نماد ملی ایرانیان درخواست تحریم را کرده است.

متأسفانه قابل عرض است که اعلیحضرت در گذشته احتیاط بسیار در حمایت از تحریم ها میفرمودند و اکنون این احتیاط دیگر مراعات نمیشود.

(۲) همکاری نیروهای نظامی و شبهه نظامی

بنده نفهمیدم که مقصود از همکاری نیروهای نظامی و شبهه نظامی با مردم چگونه ممکن است از ارکان استراتژی بحساب آید؟ ارکان استراتژی برای عبور از جمهوری اسلامی (فرقه تبهکار) امکاناتی است که در اختیار ماست نه احتمالات و یا امکاناتی که در اختیار فرقه تبهکار است.

نمیدانم خواننده محترم این تحریر وحتى شخص اعلیحضرت مستحضرنند که نیروی شبه نظامی در جمهوری اسلامی چیست و ظرفیت آن چقدر است که اعلیحضرت امید وار هستند که بخشی از آن نیرو به حمایت از مردم برخیزند.

نیروی شبه نظامی فرقه تبهکار

نیروی شبه نظامی در فرقه تبهکار به کسانی گفته میشود که نسبت به ولایت فقیه و جمهوری اسلامی دارای وفاداری خاصی بوده باشند نیروهای شبه نظامی که در جمهوری اسلامی به افراد مسلح حکومت منهای ارتش و شهربانی اطلاق میشود تنها ماموریت آنها حراست از جمهوری اسلامی است. آنها حقوق مستمری دریافت نمیکند ولی مزایای بسیار زیادی دارند از قبیل تحصیل مجانی حضور در دانشگاه ها بدون کنکور تخفیف های بیمارستانی حق تقدم در استخدام و نیز یارانه های خاص و بسیاری مزایای دیگر... آنها بلا استثنا در کلاسهای دینی و تمرین های نظامی حاضر میشوند و در واقع انسان هایی هستند تحت اراده ولی فقیه و اگر بی ادبی نباشد همانند سگ به ولایت فقیه وفادارند؛ آنها همه جا مستقرند از مقامات شهرداری تا وزارت خانه ها و ارتش و آموزشگاه ها و بازار و کسب و کار وحتى عملجات ساختمانی.

برای اینکه ما ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی و در صدر ما اعلیحضرت متوجه شوند که ما کجائیم و آنها کجا و استراتژی ما چقدر از قافله لنگ است از فهرست کشورهای جهان برپایه نظامی و شبه نظامی ارقامی را به اینجا میآورم:

| نام کشور | نیروی نظامی فعال | نیروی نظامی ذخیره | نیروی شبه نظامی |
|----------|------------------|-------------------|-----------------|
| ایران | ۵۲۳،۰۰۰ | ۳۵۰،۰۰۰ | ۱،۵۱۰،۰۰۰ |
| آمریکا | ۱،۴۲۹،۹۹۵ | ۸۵۰،۸۸۰ | ۱۱،۰۳۵ |
| روسیه | ۱،۰۴۰،۰۰۰ | ۳،۰۳۵،۰۰۰ | ۴۴۹،۰۰۰ |
| چین | ۲،۲۸۵،۰۰۰ | ۸۰۰،۰۰۰ | ۱،۵۰۰،۰۰۰ |
| هند | ۱،۳۲۵،۰۰۰ | ۲،۱۴۳،۸۲۱ | ۱،۳۰۰،۵۸۶ |
| ترکیه | ۶۶۴،۰۰۰ | ۳۷۸،۷۰۰ | ۱۵۳،۳۰۰ |

توضیح - تعداد پاسداران جمهوری اسلامی را نیز باید در کنار نیروهای شبه نظامی و یا ذخیره به حساب آورد که این تحریر نتوانست تعداد آنها را بدست بیاورد **تنها در سخنرانی آقای فیدل کاسترو اشاره ای هست مبنی بر اینکه تعداد سپاه پاسداران ایران یک میلیون نفر است.**

ارزشیابی

در فهرست بالا می بینیم که چین و هند با آنکه هر یک ۲۰ برابر ایران جمعیت دارند معهذاً نیروی شبه نظامی آن کشورها هنوز به پای یک میلیون پانصد و ده هزار شبه نظامی ایران نمیرسد.

می بینیم با آنکه آمریکا ظرفیت نیروهای نظامی کشورش بسیار بالاست معهذاً ظرفیت نیروهای شبه نظامی آن بسیار پائین است و این تفاوت از این جهت است که آمریکا نیازی به شبه نظامی ندارد؛ و در کلام دیگر آمریکا را خطر کودتا و یا مخالفت های آشوبگری تهدید نمیکند و باز در کلام مقایسه از آنجا که

جمهوری اسلامی یک **فرقه تبهکار** و متجاوز و غاصب است و نگران خیزش مردم برای عبور از آن است لذا لازم دیده که برای جلوگیری از عبور مردم از آن جمهوری بقدر نا متعارفی بر تعداد شبه نظامیان ایران بیافزاید که افزوده است؛ بنابراین ما مخالفان جمهوری اسلامی برای عبور از این **فرقه تبهکار غاصب باید از سدی متشکل از ۱،۵۰۰،۰۰۰ بسیجی و ۱،۰۰۰،۰۰۰ پاسدار بگذریم.**

ارکان استراتژی ما

آنچه در فوق به ملاحظه مشترکمان رسید امکانات و ارکانی است که از آن **فرقه تبهکار** است بعلاوه تعصبات خشک مذهبی و امام پرستی که اینها همه مزید بر علت و اضافه بر مشکلات عبور ما از این **فرقه تبهکار** است

اما اکنون ببینیم که ما چه داریم و به اعتبار چه امکاناتی می‌خواهیم از فرقه تبهکار عبور کنیم.

ما تنها و تنها مجهزه یک مشروعیت تاریخی و ملی و قانونی هستیم و آن پادشاه است که آنهم در اسارت تحریم های سیاسی آمریکاست و دیگر هیچ نداریم که نداریم.

این سخن درد آور ناله امروز نیست از سالها قبل شخص اعلیحضرت هم اشاره ای بکرات داشته اند که خارجیان هم بما میگویند که شما چیزی ندارید.

درها و زخم های استراتژی ما

ایکاش غیر از شاه هیچ چیز نداشتیم ولی چه عرض کنم که از توطئه نامه هشدار زیاد نگذشته و می بینیم که کسانی را داریم که چگونه در کمال وقاحت در صدد بی اعتبار کردن همان قدرت و مشروعیت انحصاری برای عبور از **فرقه تبهکار** ایستاده اند؛ واقعا ایکاش هیچکس را نداشتیم و امثال هومرآبرامیان تف انداز را هم نداشتیم، که در تاریخ سی و یکم شهریور ماه سال ۱۳۸۹ نامه ای بسیار محترمانه و کهنترانه به اعلیحضرت با عنوان شه‌ریار گرامی و باخضوعی بسیار تمام نوشته و رونوشت به سنکر فرستاده و بعد همان نویسنده نامه تبدیل میشود به شخصی که خود را تف انداز به صورت رضاپهلوی معرفی میکند و قانون اساسی مشروطه را چرک و خون مینامد، اپوزیسیون با داشتن چنین ظرفیت های دور و فاسد چگونه میخواهد از ۲،۵۰۰،۰۰۰ هزار جوان مغزشونی شده عبور کند و پروانه این عبور را هم نافرمانی مدنی بدور از خشونت بگذارد؟

کاش اصلا مانو بدیم

واقعا کاش که ما اصلا نبودیم و انسان های دیگری بجای ما بودند که آنقدر بی حال و بی غیرت و بی فکر نسبت به میهن و پادشاهشان نبودند، همه میدانند و میدانیم که اعلیحضرت در اسارت و گرو آمریکاست تا حرکتی در جهت تداوم سلطنت یعنی بکار بردن تنها سلاحی که بازتاب آن گرایش طبیعی مردم به پادشاه است، ننماید، اما از کسی سخنی و حرکتی که نشان مخالفت با این بی عدالتی و این تحمیل تحریم سیاسی به نماد ملت کشورمان باشد دیده نمیشود، این رابه چه حسابی میتوان گذاشت؟

ارکان مجازی

آنچه دربالا از ظرفیت استراتژی **فرقه تبهکار** و ظرفیت صاحبان حقیقی ایران عرض شد، واقعیت و موانع مقابل مبارزه ما برای عبور از جمهوری اسلامی بود. ولی قضیه به این سادگی نیست؛ دروغ و ریا و ظاهرسازی، فریب و خودنمایی فضاحت دیگری را گسترده است که بکل مانع حرکت احتمالی ما برای عبور از جمهوری اسلامی شده خواهد شد.

یعنی اگر جریان اتفاقی و احتمالی و درکلامی خودمائی الله بختی پیش بیاید که پلی برای عبور از جمهوری اسلامی فراهم شود عمل گروهی از نخبگان فساد درخارج از کشور آنچنان حس بی اعتمادی و فریب گری بوجود آورده اند که هیچکس حاضر نیست از آن پل عبور کند.

ساخت بل بی اعتمادی

مکرر در مکرر تاریخ ریختن مردم به خیابان و عبور از جمهوری اسلامی را اعلام وبه مردم نوید نجات داده شده در خارج از کشور شهرام همایون داریم که ادعای ریاست حکومت ملی میکند، و برنامه دولتش را میخواند. یکی دیگر بنام سعید شمیرانی داریم که میگوید **حطمئن** باشید که اکنون سی میلیون (۳۰ میلیون) نفر که مسلح و آماده هستند تهران را روز ۲۶ اردیبهشت فتح خواهند کرد. قبل از او هم به حساب برخی از همان اغواگران، شارلاتان تهران باید در هفتم ماه می فتح شده باشد و یکنفر بنام فخرآور که نکبت و رذالت از صورتش میبارد و تابعیت آمریکا را دارد عضویت حزب جمهوریخواه آمریکا درآمده تا بتواند اتاقی درکنگره اجاره کند وبه این ترتیب بساط تنظیم قانون اساسی را راه میاندازد.

یعنی در مجموع در روز ۲۶ اردیبهشت هم ایران نجات پیدا کرده و هم دولتش معلوم است و هم قانون اساسی آن؛ دیگر مرگ میخواهی بروگیلان!!

سرنوشت جوان دروغگو

بی شک نتیجه و حاصل این صحنه سازیها و اغواگری ها در راستای استراتژی مبارزه ایرانیان علیه جمهوری اسلامی این است که اعتماد کلی به مبارزه علیه جمهوری اسلامی بصورت سراب درخواهد آمد و هر حرکت جدی و اصولی و برنامه ریزی شده علیه فرقه تبهکار در صحنه های فکری و تصویری فریب و گوش بری گم میشود مصداق چوپان دروغگو.

ناتمام

